

AQ-55-A

**B.A. (Part—II) Examination**  
**(Optional Subject)**  
**PERSIAN**  
**(Literature)**

Time : Three Hours [Maximum Marks : 100]

یادداشت :

(۱) همه سوالها لازمند۔

(۲) پاسخ باید زبان فارسی یا اردو یا انگلیسی یا ہندی بنویسید۔

سوال نمبر ۱۵۔ (A) دوا از اقتباس پای زیر را توضیح بدہید۔

(الف) با تعجب گفتم این صحنہ جنگ است نہ شکار در

شہری کہ این طور زیر بمباران ، خراب میشدہ ، این عکسہا را

چطور گرفتہ اند؟ گفتہ متاسفانہ جنگ و آدم کشی ہم شکار است

اگر آدم اوّلی مثل خودیرا میکشد و میخورد از ناچارى بود،

بایستی زندہ بماند اما من و شما کہ جنگ و شکاری کنیم ، برای

تفریح و ہمارہوس است نہ از روی احتیاج ، انسان ترکیبی

است از خوبی و بدی ، از رحم و سبے رحمی۔ همان طور کہ بعضی از

(۹) قاضی نور اللہ شوستری مؤلف ..... است۔

(مجلس المومنین ، بہار دانش ، سکندر نامہ)

(۱۰) بابا فغانی بسال ..... در گذشت۔

(۹۲۵ ، ۹۵۰ ، ۹۵۷)

سوال نمبر ۵۔ صنائع ادبی زیر را تعریف بکنید و مثال بدہید۔

10

(پنج چہار)

صنعت تشبیہ ، صنعت استعارہ ،

صنعت تلمیح ، صنعت مبالغہ ،

صنعت تضاد ، صنعت حسن تعلیل ،

صنعت سیاقۃ الاعداد۔

☆☆☆

(B) جاہای پد کنید -

(۱) نویسنده عیار دانش ..... است -

(بهار، ابوالفضل، نظامی)

(۲) اسم صائب حمیری ..... بود -

(محمد علی، حسن علی، حسین خان)

(۳) ابوطالب کلیم ملک الشعراء دربار ..... بود -

(شاه جهان، اکبر، بابر)

(۴) ..... یکی از منکومه های فیضی فیاضی است -

(شیرین خسرو، نل و دمن، سکندرنامه)

(۵) جمال الدین عرفی ..... نگاشت -

(رساله نفیسه، بهار دانش، تذکره معاصرین)

(۶) حسن بیگ رومو مؤلف ..... است -

(احسن التواریخ، تذکره معاصرین، سکندرنامه)

(۷) سبک هندی علی الخصوص در حوزه ادبی ..... مراحل

ترقی را عبود - (شیراز، بهرات، طهران)

(۸) شیخ علی حنین بسال ..... وفات یافت -

(۱۸۸۰، ۱۲۸۰، ۱۳۸۰)

مهربانی و دیگری لذت جنگ و شکار هوس و لذت های برزند -  
 بعضی از آزاد کردن و زجر دادن کشتن حظه می کنند جنگ و شکار  
 هوس و لذت مردمی است که بی رحمی را عادت و مغفله فکری خود  
 قرار داده اند -

(ب) دوست نادیده ای مرا بخانه خود دعوت کرده

بود - چون شنیدم که همدل و همراه است رفتم و اشتباه نکردم از  
 همان یاران قدیم بود که مدتها می جستم و پیدا نمی کردم آنشب را  
 نه از دقایق روز گفتیم نه از سیاست صحبت کردیم نه از بدهی های  
 خیال و واقعی صورت های موحش ساختم بگل گفتیم و گل شنیدیم و  
 مست شعر و ساز و آواز شدیم -

گفت این دختر من عاشق شما است - آرزو داشت شما  
 را ببیند - اگر این آرزو نبود و در تر از شما تمنای دیدار میکردم  
 انامی تر سید تمنای من آلوده بغرض یعنی آرزوی دخترم  
 باشد - تا اینکه راستی پیش ازین توانستم صبر کنم - "چند کلمه با  
 دخترک حرف زدم و از درس و مدرسه پرسیدم -

(ج) احوال شوریدگان را در آن پرده سیاه تماشای  
 کردم و در فکر بودم مخصوص که نقاش هم مرا بحال خود گذاشته و

مسجد است - به محراب رفته زمین را به کافت و کوزه مملو از سکه جات مسکوکه بیرون آورد و زرهارا فرو ریخت و لحظه بان بازی کرده چند درم دیگر به آن منضم ساخت و باز همه را در کوزه انداخته همان جابه خاک سپرد و چون تابینا از مسجد بیرون رفته خواجه به فراغ مال آن زرهارا برداشته در بهای اسباب سفر خرج نمود و در خدمت سلطان روان شد -

(ب) روزی در اثای تماشای کتاب خانه آن شش هفت جلد کتاب تاریخ نادری بصورت های مختلف خطی و مطبوع دیده تعجب نمودم که در یک کتاب خانه این رخ متعده از یک کتاب که در چندین شهر مانند طهران و تبریز بمشقی و جاهای دیگر طبع شده چه معنی خواهد داشت سبب آنرا از خودش پرسیده گفتم این همه کتاب تاریخ نادری را چه ادربین جامع کرده اید - گفت: از پدر یادگار است - مرحوم چندان میل باین کتاب داشت که همه فیهیده بودند این است که هر کس نسخه خوبی از کتاب مذکور خطی یا مطبوع بدستش می افتاد نزد پدر مرحوم آورده بقیمت خوب بایشان می فروخت -

ساکت بود دانستم آن کار را تمام می داند - پرسیدم آیا این پرده از فکر شماست یا تقلید است؟ آهی کشید و گفت متاسفانه تقلید نیست -

رو برویش ایستادم و گفتم آیا ممکن است این صحنه را برای من ترجمه کنید و بگویند چه خاطری و فکری باین صورت در آمده؟

ابروانش درهم رفت و دهان باز کرد اما یک لحظه بروی من خیره شد و باز ذوق و تعجب گفت آیا شما فلانی میستید؟ من عکس شما را دارم -

گفتم "بله من فلانیم -" یعنی در صورت و زبانش بسته بود آب شد و گرم و مهربان نالید که "ای آقا من سالها آرزوی دیدن شما را داشتم -"

10

(B) خلاصه یکی از حکایت های زیر را بنویسید -

(۱) حکایت فرخی سیتانی

(۲) حکایت سلطان محمود

(۳) حکایت ملک منصور و زکریا رازی

سوال نمبر ۲- (A) ترجمہ پنج شعرا از شعرهای زیر مع شرح کوتاه تحریر

10

بکنید۔

(۱) نہ مہر دوست خواہم نہ کین دشمنان را

یک جور دوست دارم بی مہر و مہربان را

(۲) غم می کھد عناغم من ہم شتاب دارم

از من سلام بگوید یاران و دوستان را

(۳) ہزار رخنہ ہدام و مرا از سادہ دلی

تمام عمر باندیشہ رہائی رفت

(۴) بیافت عشق در شب چراغ در ظلمات

اگر چہ عقل بد نبال روشنائی رفت

(۵) گر شرط دوستی شناسی بحسن شمع

اول محبت توبہ پروانہ خوشتر است

(۶) ہرگز گو کہ کعبہ زبت خانہ خوشتر است

ہر جا کہ ہست جلوہ جانانہ خوشتر است

(۷) وقت نظارہ بت پرہیزگار خویش

شویم بگریہ دیدہ خونبار خویش را

(B) گذراش مختصری در بارہ احوال و آثار یکی از شعرای

10

زیر بنویسید۔

(۱) قافی شیرازی

(۲) ابو طالب کلیم

(۳) بیدل دہلوی

(۴) غالب دہلوی

10

سوال نمبر ۳- (A) یکی از اقتباس ہای زیر را ترجمہ بکنید۔

(الف) روایت است کہ قبل از آنکہ خواجہ نظام الملک

در امور وزارت دخل نماید سلطان الپ ارسلان را سقری

پیش آمد۔ و مقرر شد کہ خواجہ در آن پورش ملازم باشد و حال

آن کہ اورا در آن وقت دستگاہی نہ بود کہ براق سفر نماید۔

لا جرم در فکر افتاد۔ و در آن اندیشہ وضو ساختہ بہ مسجدی کہ بہ

در سرائیش بود رفت و بہ عرض نیاز در کریم بندہ نواز مشغول

گشت۔ ناگاہ نایبای در آن ہتھ آمد۔ و گفت ”درین مسجد

کیست“ خواجہ جواب نہ داد؟ نایب بہ عصا گرد مسجد برآمدہ

احتیاط بہ جای آورد و چون اورا مطلقاً محسوس نہ شد کہ کسی در

(۸) من در پی راهائی واد هر دم از فریب  
بر سر گره زندگى ناکشوده را

15

(B) دوازده اقباس های زیر را ترجمه کنید-  
(الف) نماز شام نزد یکست و امشب  
مه و خورشید را بنم مقابل  
ولیکن ماه دارد قصد بالا  
فروشد آفتاب از کوه بابل  
چنان دو کله سیمین ترازو  
که این کله شوزان کله مائل  
ندارستم من ای سیمین صنوبر  
که گرد روز چونین زود زائل

(ب) خورشید که ای فرخ اسفند یار  
ها در دت بر آرای کار  
چو بشید اسفند یار این سخن  
از ان شیر پر خاش جوی کهن

مخندید و گفت ایک آراستم  
بدان که از خواب برخاستم  
بفرمود تا جوش و خودادی  
همان ترکش و نیزه جنگ جوی

(ج) دانی که خوشه از چه سر افکنده بر زمین  
شکر تو میکذارد و اندر ثنای تست  
از قحط و از غلا نشود کار خلق تنگ  
تا مشکلات در کف مشکل کشای تست  
نیکی بخلق می کن و امیدوار باش  
فردای رستخیز که نیکی سزای تست  
گر مردم از رضای تو قائل نشده اند  
خوشنودی و رضای خدا در رضای تست

سوال نمبر ۳ - (A) خصوصیات سبک هندی یا سبک دور بازگشت را  
بنویسید -